



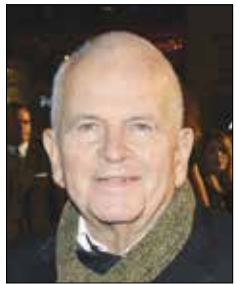
## رابت زمکيس با انيميشن بازمي گرو

رابت زمکيس کارگردان مطرح هالیوود ساخت یک فیلم انیميشنی را در دست توليد دارد. این کارگردان، فیلم لایو اکشن، «پینوکيو، را با همکاری مشترک با کمپانی دیزنی خواهد ساخت. پینوکيو را اندرو ميانو و کریس وایتس تهیه خواهند کرد. این در حالی است که وایتس نویسنده فیلمنامه آن هم هست. ابتدا پل کینگ کارگردان «پدینگتون» برای کارگردانی این فیلم انتخاب شد، اما او به دلایل نامشخص در اوایل سال این پروژه را ترک کرد. گفتنی است رابت زمکيس در سال ۱۹۹۴ توانست با فیلم «فارس گامپ» شش جایزه اسکار را از آن خود کند. شرکت دیزنی که اخیراً پروژه توليد لایو اکشن انیميشن‌های پرفروش را دنبال می‌کند تاکنون لایواکشن انیميشن‌های «علاءالدین» و «شیر شاه» را توليد کرده است.



## بازيگر ارباب حلقه هادر گذشت

ایان هولم که به نقش آفرینی در تئاترهای ویلیام شکسپیر و هارولد پینتر و بازی در فیلم‌هایی چون ارباب‌های آتش، ارباب حلقه‌ها شناخته می‌شود، در اثر اختلالات ناشی از بیماری پارکینسون در سن ۸۸ سالگی درگذشت. این بازیگر بریتانیایی که حرفه هنری خود را با تئاتر آغاز کرد به خاطر نقش آفرینی در نمایش شاه لیر از شکسپیر، برنده بهترین بازیگر مرد جوایز لارنس الیویه شد. هولم همچنین جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جوایز بفتا و نامزدی برای جایزه اسکار را در کارنامه هنری خود داشت. او همچنین در فیلم‌های ارباب‌های آتش به کارگردانی هیو هادسن و بیگانه اثر ریڈلی اسکات نقش آفرینی کرده است. عمده شهرت هولم به خاطر بازی در سه‌گانه مشهور ارباب حلقه‌ها به کارگردانی پیتر جکسون در نقش بیلبو بگینز است.



و هُو الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا لِئَلَّا يَصِفِي اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ  
و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت‌جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعا در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد

الرعد - آیه ۳

نخستین هفته‌نامه تخصصی حمل‌ونقل ایران دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۹ ۳۰ شوال ۱۴۴۱   ۲۲ ژوئن ۲۰۲۰ سال پنجم   شماره ۲۵۶ آدرس: تهران، اشرفی اصفهانی، پلازنا پونک کوچه پنجم، پلاک ۶۲، طبقه دوم، واحد ۲ چاپخانه: هنر سرزمین سبز	هفته‌نامه حمل‌ونقل صاحب‌امتیاز: مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی تراب یار نوید (تین) مدیرمسئول: مسعود ذهبیون قائم‌مقام مدیرمسئول: عباس نامجو زیر نظر شورای سردبیری
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱۴۴۸۹۰۲۶۶ | تلفن: ۰۲۱۴۴۴۸۱۱۶۲ | فکس: ۰۲۱۴۴۶۰۳۷۸۵ | کدپستی: ۱۴۶۹۶۵۵۹۴۴ | توزیع: ۴۴۸۹۰۲۶۶ | @tweekly\_ir | Info@Tweekly.ir | ۳۰۰۰۴۱۱۴

## کافه فیلم

### نگاهی به فیلم «پنج هم‌خون» ساخته اسپایک لی



بعد از پخش شدن فیلم‌هایی از کارگردان‌های بزرگ سینما مانند فیلم «روما» اثر آنفولسو کوران یا «مرد ایرلندی» ساخته مارتین اسکورسیزی توسط شبکه نتفلیکس فیلم اخیر اسپایک لی نیز توسط این شبکه خبری توزیع و پخش شد. پیش‌تر قرار بر این بود که این فیلم در بخش خارج از مسابقه جشنواره کن ۲۰۲۰ اکران شود اما به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا این فیلم اخیراً توسط شبکه نتفلیکس در اختیار مخاطبان قرار گرفت. «پنج هم‌خون» آخرین ساخته اسپایک لی، کارگردان سیاه‌پوست آمریکایی است که به ماجرای بازگشت چند کهنه سرباز جنگ ویتنام به این کشور می‌پردازد. اسپایک لی که در طول چهل دهه فعالیت در عرصه کارگردانی در تمام فیلم‌هایش به انتقاد اجتماعی و مبارزه با نژادپرستی پرداخته است در فیلم اخیر خود نیز همین مسئله را دست‌مایه اصلی قرار داده است. در این فیلم چهار کهنه سرباز سیاه‌پوست آمریکایی به نام‌های اوتیس، ادی، ملوین و پاول به همراه پسرش، دیوید برای پیدا کردن جسد رفیق و سرخوخته گروه خود در جنگ ویتنام به آن کشور بازمی‌گردند. البته روند داستان ما را به وجود عامل مهم‌تری در کشاندن آن چند کهنه سرباز به ویتنام می‌رساند. در جنگ ویتنام حکومت آمریکا درازای جنگیدن مردم بومی ویتنام جنوبی (ویت کنگ‌ها) در مقابل شمالی‌ها برای آنها شمش طلا می‌فرستاد. آن پنج نفر در میانه این جنگ یکی از این محموله‌ها را می‌یابند، آن را در جایی مخفی می‌کنند تا در زمان مناسب آن را به کشور و به مردمانشان آفریقایی آمریکایی‌ها بازگردانند. آنها در ابتدا بسیار همراه و همقدم به نظر می‌رسند اما روند داستان هر یک را به‌گونه‌ای از هم جدا می‌کند.

ادی روی مین می‌رود و کشته می‌شود. پاول که دچار جنون شده است سهم خود را برمی‌دارد و به‌تنهایی به دل جنگل می‌زند و توسط یاقی‌های ویتنامی به قتل می‌رسد، ملوین نیز توسط دلال فرانسوی که قصد کمک به آنها برای خروج پول از ویتنام را داشت کشته می‌شود. در نهایت تنها اوتیس به همراه پسر پاول زنده می‌ماند. مثل فیلم‌های دیگر اسپایک لی در این فیلم نیز تصاویر مستند از جنبش سیاهان، تظاهرات و کشتار مردم سیاه‌پوست توسط دولت آمریکا در دهه‌های مختلف، اشاره‌ها و کنایه‌های مختلف به رئیس‌جمهوری فعلی ایالات‌متحده، دونالد ترامپ، در طول فیلم گنجانده شده است. این فیلم که در بوجوه اعتراضات سراسری علیه نژادپرستی در آمریکا منتشر شد توانست نظر مثبت بسیاری از مخاطبان و منتقدان را دریافت کند. فیلم‌برداری، فیلم‌نامه و بازی بازیگران توسط نشریه‌های مختلف ستایش شده است اما باین‌حال بسیاری بر این باورند که موفقیت این فیلم فقط به دلیل پخش شدن آن در میانه اعتراضات سراسری در آمریکا است. با تمام ستایش‌هایی که از این فیلم صورت گرفته است این فیلم دو ساعت و نیمه در همراه کردن مخاطب با خود بسیار ضعیف عمل کرده است. به‌غیر از بازی چهار کهنه سرباز آمریکایی، دیگر بازیگران نتوانسته‌اند به‌خوبی از عهده نقش خود برآیند. علاوه بر این اسپایک لی نتوانسته است در پرورش دادن نقش بازیگران مکمل به‌خوبی عمل کند و به‌کلی حضور برخی از بازیگران در فیلم بی‌معنا به نظر می‌رسد. یکی از ضعف‌های دیگری که در فیلم‌نامه احساس می‌شود وجود برخی از اتفاقات کلیشه‌ای در فیلم است که از ارزش این فیلم کاسته است. مشکل دیگر فیلم در اینجاست که فیلم با اینکه دفاعیه‌ای برای سیاه‌پوستان است اما به‌کرات ما شاهد صحنه‌های خشونت‌آمیزی هستیم که این پنج نفر در بخش‌هایی از فیلم به خودشان و به دیگران اعمال می‌کنند. این فیلم یک ایده اصلی تازه را در بر می‌گیرد؛ اینکه سیاهان در تمام جنگ‌ها استثمار شده‌اند با این وعده که اگر به جنگیدن ادامه دهند به حقوق قانونی خود خواهند رسید. باین‌حال وجود ضعف در بخش‌های مختلف فیلم‌نامه باعث کم‌رنگ شدن این ایده شده است.



عکس: مهر

### نگاهی به کتاب «گزارش یک مرگ» اثر گابریل گارسیا مارکز



کتاب «گزارش یک مرگ» روایتی است روزنامه‌نگارانه از ماجرای قتل شخصی به نام سانتیاگو ناصر. مردی برای تهیه گزارش درباره این قتل که بیست‌وهفت سال پیش رخ داده است به دهکده‌ای بازمی‌گردد. ماجرای این قتل از این قرار است که روزی فردی به نام بایاردو سان رومان وارد دهکده‌ای می‌شود، هیچ‌کس او را نمی‌شناسد. او که فرد ثروتمندی است به دنبال دختری می‌گردد تا با او ازدواج کند. دختری به نام آنخلا ویکاریو را برای ازدواج برمی‌گزیند. شب عروسی آنها آنقدر با شکوه و با بیشترین تجملات

برگزار می‌شود که هیچ‌کدام از اهالی روستا از این مراسم بی‌نصیب نمی‌مانند. اما چند ساعت بعد از اینکه این زوج به‌ظاهر خوشبخت به قصر رؤیاهای خود می‌روند، داماد دختر را به خانه بازمی‌گرداند. مسئله‌ای در میان است و دختر بعد از اصرار برادرش اسم شخصی را می‌گوید: سانتیاگو ناصر. سرانجام سانتیاگو ناصر به شکلی وحشتناک توسط دو برادر دختر با ضربات چاقو به قتل می‌رسد. ایده اصلی داستان بر این سؤال استوار است که چرا در عین حال که تمامی مردم روستا از مرگی که در انتظار سانتیاگو ناصر بود مطلع بودند اما هیچ‌کس قادر به جلوگیری از این اتفاق نبود؟ این ماجرا از این جهت دردناک است که گویی تمام اهالی دهکده و حتی مادر سانتیاگو ناصر نیز به‌گونه‌ای در این قتل شریک هستند. از ساعت سه شب که بایار دوسان رومان دختر را به خانه بازمی‌گرداند دو برادر دوقلوی دختر با چاقوهایی که از آن برای سربردن خوک‌ها استفاده می‌کنند به دنبال سانتیاگو ناصر می‌روند. آن دو قصدشان از کشتن سانتیاگو ناصر را به اکثر کسانی که در طول مسیر به آنها برخورد می‌کنند در میان می‌گذارد و به همین دلیل در کمتر از دو ساعت تمام دهکده از این حادثه که پیش روی یکی از ثروتمندترین اهالی دهکده است مطلع می‌شوند. باین‌حال به این گمان که سانتیاگو ناصر خود از این موضوع اطلاع دارد کسی به او در این رابطه هشدار نمی‌دهد. مادر سانتیاگو ناصر نیز که در اواخر ماجرا از این موضوع مطلع می‌شود به گمان اینکه سانتیاگو در اتاق خود خوابیده است چند لحظه پیش از اینکه سانتیاگو ناصر وارد خانه شود، کلون در را می‌بندد؛ و به این ترتیب سانتیاگو ناصر در حضور چشم‌تمام کسانی که از این ماجرا مطلع بودند پشت در خانه خودش به قتل می‌رسد. نویسنده با سؤال پرسیدن از اکثر افرادی که ناظر این قتل بودند، به مسئولیت اخلاقی تک‌تک اهالی این روستا در قبال مرگ سانتیاگو ناصر می‌پردازد. گابریل گارسیا مارکز، نویسنده شهیر کلمبیایی که خود سال‌ها روزنامه‌نگار بود این کتاب را به‌گونه‌ای نوشته است که گویی در حال روایت کردن حادثه‌ای است که خود از نزدیک شاهد آن بوده. مارکز این رمان را بر اساس حادثه‌ای واقعی که برای برادرخوانده و اتفاق افتاده بود با اعمال تغییرات جانبی اندکی نوشته است. برخلاف رمان‌های جنبایی دیگر، این رمان در مورد قتل که در همان پایان کتاب شرح داده شد تحقیق نمی‌کند بلکه سعی می‌کند به حقیقت‌سخن آنخلا ویکاریو در رابطه با دلیل بودن سانتیاگو ناصر در این اتفاق بپردازد. مارکز در این رمان نیز مانند کتاب‌های دیگرش در بخش‌هایی از سبک رئالیسم جادویی کمک می‌گیرد تا حکایتی انحرافی یا جزئیاتی در رابطه با شخصیت‌هایی که وجودشان در صحنه در عین ضروری نبودن جذاب است را شرح دهد. به‌عنوان مثال در آغاز کتاب در مورد رؤیایی که سانتیاگو ناصر هفته قبل از مرگش در خواب دیده بود به نقل از مادرش می‌نویسد: «او همیشه خواب درخت‌ها را می‌دید... یک هفته پیش از آن خواب دیده بود توی هواپیمایی از کاغذ لقی، از میان درختان بادام می‌گذرد، اما به شاخه‌ها گیر نمی‌کند.» جزئیات عجیبی از این دست در جایگاهی برابر سبک روزنامه‌نگاری تحقیقی قرار می‌گیرد. این سبک بخصوص مارکز با بردن خواننده به‌وادی‌های مختلف خیالی و واقعیت‌آور امجور می‌کند تا خود در رابطه با خیالی یا واقعی بودن روایت تصمیم بگیرد.

### # دیالوگ

- تو کاری نکردی که بخوای باشش شرمند باشی.  
- من هیچ کاری نکردم و برای همین شرمندم!

### # شعر بخوانید

ای تن! جرعه مکن که مجازی است این جهان  
وی دل غمین مشو که سپنجی‌ست این سرای

مسعود سعد سلمان

مبین یونس



## جنگل ابر در سنگاپور

جنگل ابر سنگاپور با نام دیگر جنگل آبی یکی از بخش‌های باغ‌های خلیج (Gardens by the Bay) در سنگاپور است. در باغ‌های خلیج دو گلخانه صدفی غول‌پیکر واقع شده است. گلخانه گنبد گل (Flower Dome) که نسبت به جنگل ابر وسعت بیشتری دارد و بزرگ‌ترین گلخانه در جهان برای پرورش و نگهداری گل‌هایی است که در آب‌وهوای مدیترانه‌ای رشد می‌کنند؛ اما جنگل ابر که نسبت به گلخانه قبلی عرض کمتر اما ارتفاع بیشتری دارد برای نگهداری گیاهانی ساخته شده است که در مناطق گرمسیر و نیمه گرمسیر استوایی رشد می‌کنند. شرایط مرطوب و خنک در این جنگل شیشه‌ای به‌گونه‌ای شبیه‌سازی شده که می‌تواند گیاهان گرمسیری که در ارتفاع ۱۰۰۰ متری جنگل‌های استوایی و ۳۰۰۰ متری سطح دریا که در جنوب شرقی آسیا و آمریکای مرکزی و جنوبی یافت می‌شوند را در خود نگه دارد. این گلخانه یک کوه ابری ۴۲ متری را در بر می‌گیرد که برای بالا رفتن از آن یک آسانسور و برای پایین آمدن از آن یک مسیر پیچ‌درپیچ تعبیه شده تا گردشگران لذت ماجراجویی را در آن تجربه کنند. شاید به نظر برسد که تابش مستقیم نور خورشید به یک محفظه شیشه‌ای بزرگ هوای آن را غیرقابل تحمل کند؛ اما جالب است بدانید که بسیاری از شهروندان سنگاپور که در نزدیکی این محل هستند از گرمای هوا به این محل پناه می‌برند. همه اینها به این دلیل است که در این کوه ابری یک آبشار به ارتفاع ۳۵ متر تعبیه شده است که هوای خنک و مه‌آلودی را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌کند. باغ‌های خلیج سنگاپور یک پارک طبیعی در مقیاس ۱۰۱ هکتار است که سه بخش شمالی، شرقی و مرکزی را در بر می‌گیرد. این دو گلخانه در بزرگ‌ترین بخش این پارک طبیعی یعنی در بخش شمالی واقع شده‌اند.



هفته‌نامه حمل‌ونقل آماده انتشار  
آگهی‌های جذب نیروی شماس

۴۴۸۹۰۳۶۶